

آزازه عطر و طعم رب گوجه‌های محلی که حکیمه خانم و مادرش در حیاط خانه‌شان در روستای «لنگر» از توابع آشنخانه در خراسان شمالی می‌پزد، حالا نه دو، سه خانه آن‌طرف‌تر؛ بلکه تا کیلومترها دورتر هم رفته است. مثل سبزی خورشتی‌های محبوبه خانم که روستای‌شان نزدیک سمیرم است یا کره و روغن محلی که کوثر خانم قنبری در روستای «وچکبود جودکی» آبدانان تولید می‌کنند....

ماجرای به آشنایی این زنان روستایی با اینترنت و پلتفرم‌های آنلاین خریدوفروش مربوط است. زنانی که تجربه و دانش سنتی خودشان از تولید محصول را به شیوه‌های مدرن فروش و بازاریابی محصول پیوند زده‌اند و حالا نقش مهمی در چرخاندن چرخ زندگی‌شان و اقتصاد محلی دارند.

نقش زنان روستایی در اقتصاد محلی در ۱۲ ماه سال تعیین‌کننده است؛ اما از سال ۲۰۰۸ به این سو هم‌زمان با ماه میلادی اکتبر (مهر ماه) نام این زنان بیشتر شنیده می‌شود؛ چون اکتبر روز جهانی زنان روستایی نام گرفته است. پیام اصلی این روز هم حمایت از زنان روستایی برای دسترسی پایدار به منابع غذایی، مبارزه با فقر و رف بی‌عدالتی‌های جنسیتی است. سازمان ملل متحد برای روز جهانی زنان روستایی در سال ۲۰۲۳ شعار «نواوری و فناوری برای برابری جنسیتی» را اعلام کرده است.

تجربه زنانی که ابتدای این گزارش به کسب‌وکار آنها اشاره شد، تنها چند نمونه از تلاش‌ها برای استفاده از فناوری برای کاهش فقر و و کسب درآمد است. این زنان محصولاتی را که تولید می‌کنند، با استفاده از سایت «دیوار» به خریدارانی از شهرها و روستاهایی از همه جای ایران می‌فروشند. این گزارش درباره آن‌هاست. آبدانان (در استان ایلام) یکی از شهرهایی است که کسب‌وکارهای روستایی فعالی دارد. در این شهر در یک‌ونیم سال گذشته و در پلتفرم دیوار، نزدیک به ۲۰ درصد کل آگهی‌هایی که در عنوان یا متن‌شان کلمات مرتبط با کسب‌وکارهای خانگی بوده، به محصولات «خوردنی یا آشامیدنی» مربوط بوده است. بیش از ۳۷ درصد کل بازدیدها هم از همین آگهی‌ها انجام شده است.

خانم کوثر قنبری، ساکن روستای «وچکبود جودکی» از توابع آبدانان دهلران در استان ایلام است و با ۳۰ سال سن، در کسب‌وکاری خانوادگی و کوچک، در صنعت تولیدات دامی به فعالیت مشغول است و گرداننده این کسب‌وکار محسوب



● عکس: ساخته شده با هوش مصنوعی MidJourney

پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین چه تأثیری بر توانمندسازی جوامع محلی می‌گذارند؟

اینترنت؛ میانبری برای زنان روستایی

می‌شود. او می‌گوید: «بیش‌ازاین تنها راه فروش محصولات مان فروش محلی، به صورت حضوری و به شکلی محدود در روستا بود. الان با کمک اینترنت، برخی از محصولات‌مان مثل کره و روغن حیوانی را به صورت آنلاین می‌فروشیم و این فروش آنلاین کمک هزینه خانواده‌ماست».

او درباره فعالیت خودش در این کسب‌وکار خانوادگی می‌گوید: «پدر و مادرم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. تا اینجا از فروش آنلاین راضی بوده‌ایم. با آگهی در دیوار توانسته‌ایم برای شیر تازه مشتری ثابت پیدا کنیم. به نظرم محصولات دیگر مثل بوقلمون هم بتواند فروش خوبی داشته باشد». او همچنین می‌گوید در روستای‌شان خانواده‌های دیگری را هم می‌شناسد که محصولات‌شان را آنلاین می‌فروشند.

جمعه‌بازار؛ آنلاین‌بازار

در بسیاری از مناطق روستایی، طبق سنتی قدیمی، کسب‌وکارهای محلی و خانوادگی محصولات‌شان را به شکل سنتی در بازارهای محلی عرضه می‌کنند؛ محصولاتی که همیشه مشتری دارند و مشتریان به دنبال یک محصول مشخص از یک تولیدکننده خانگی مشخص‌اند. همین کسب‌وکارهای کوچک خانگی، در کنار این روش سنتی آرام‌آرام دارند از پلتفرم‌های آنلاین برای فروش محصولات‌شان استفاده می‌کنند. یکی از کاربران خانم در دیوار، ساکن روستای لنگر از توابع آشنخانه در استان خراسان شمالی است که ترجیح داد بدون ذکر نام با ما گفت‌وگو کند (و ما با اسم مستعار حکیمه خانم از او یاد می‌کنیم) در این زمینه می‌گوید: «ما محصولات زراعی و تولیدات خانگی‌مان را معمولاً در جمعه‌بازار می‌فروشیم. این کار را از قدیم انجام می‌دادیم؛ اما از دو سال پیش فروش آنلاین را هم شروع کرده‌ایم». مسیری که این کاربر در فروش آنلاین شروع کرده هم مسیر جالبی است؛ «اولش وسایل اضافی را برای فروش می‌گذاشتیم. بعد به این فکر افتادیم که محصولات‌مان را هم آنلاین بفروشیم. در کنار فروش آنلاین محصولات زراعی، با مادرم رب هم می‌پزیم و برای فروشش در دیوار آگهی می‌گذاریم. علاوه‌برآن بادمجان، پیاز و فلفل‌دلمه‌ای را هم آگهی می‌کنیم. این محصولات‌مان را بیشتر آنلاین می‌فروشیم».

او البته از مشکلات فروش آنلاین هم می‌گوید. اینکه نتوانسته‌اند بخشی از مشتری‌های آنلاین را مجاب کنند که

محصول‌شان باکیفیت است: «ربی که ما تولید می‌کنیم، خیلی باکیفیت است و واقعا با رب کارخانه‌ای قابل مقایسه نیست. خیلی برایش وقت می‌گذاریم. یک قاشقش به اندازه چند قاشق رب شکرتری رنک و لعاب دارد؛ اما بعضی مشتری‌هایی که آگهی می‌بینند و زنگ می‌زنند، از کیفیتش خبر ندارند و فکر می‌کنند قیمت بالایی برایش گذاشته‌ایم؛ اما هرکسی که از ما خرید می‌کند، معمولاً مشتری ثابت ما می‌شود».

دیوار و سبزی‌خردشده

این هم روایت «محبوبه دوستی» است که در یکی از روستاهای اطراف سمیرم زندگی می‌کند و کار و کاسبی‌اش را با کمک دیوار راه انداخته: «من خودم کرفس، سبزی خورشتی، سبزی آش، سبزی کوکو... خرد می‌کنم؛ اما همسایه‌مان ترشی درست می‌کند و آگهی محصولات‌مان را در دیوار می‌گذاریم. یک‌سالو خرده‌ای است که وارد این کار شده‌ام. من تا پیش از این و نزدیک دو سال شاگرد یک فروشگاه لباس بودم؛ اما بعد از جدایی از همسر و برعهده‌گرفتن سرپرستی دو فرزندم، دیدم بچه‌ها اذیت می‌شوند و مجبور شدم کارم را تغییر دهم تا پیش بچه‌ها باشم. با ۴۰۰ هزار تومان یک دستگاه سبزی خردکن خریدم و کارم را شروع کردم. فروشم بد نیست، الان هم فصلی است که هوا رو به سردی می‌رود و چون مردم جا برای شستن و خردکردن سبزی ندارند، کار من رونق می‌گیرد تا اسفند. مشتریانم هم از شهرهای اطراف مثل سمیرم، پادنا و... هستند و در این مدت توانستم چند مشتری ثابت پیدا کنم».

دام‌ودیار

پرورش و فروش دام زنده هم یکی از کسب‌وکارهای رایج در مناطق روستایی است. بسیاری از این کسب‌وکارها به صورت خانوادگی اداره می‌شوند و زنان خانواده نقش مؤثری در فرایندهای تولید و عرضه آن دارند. در این زمینه با خانواده رضایی از روستای زراب از توابع دهلران در استان ایلام گفت‌وگو کرده‌ایم که کارشان همین پرورش و فروش دام است و توانسته‌اند با استفاده از پلتفرم‌های آنلاین از مناطق دورتری مشتری جلب کنند و به فروش بسیار خوبی برسند. خانم رضایی که این کسب‌وکار را به کمک همسر و فرزندانش اداره می‌کند، در این زمینه می‌گوید: «این کار را خانوادگی انجام می‌دهیم. همه کارها مثل بردن دام به چرا، نظافت دام، علوفه‌دادن و... را خودمان

انجام می‌دهیم. البته حدود دو سال است که شروعش کرده‌ایم و کاملاً اتفاقی وارد این کار شدیم». خانم رضایی درباره استفاده از اینترنت و پلتفرم‌های خریدوفروش در فروش محصولاتش توضیح می‌دهد: «تا چند وقت پیش، مشتری‌های ما فقط از منطقه خودمان و یکی دو تا از شهرهای اطراف بودند؛ اما از حدود شش ماه پیش که دام‌های‌مان را در دیوار آگهی می‌کنیم، از شهرهای دورتر هم مشتری داریم و دام زنده را برای آن شهرها ارسال هم می‌کنیم، انصافاً فروش‌مان خیلی بهتر شده. می‌توانم بگویم به‌راحتی ۷۰ درصد فروش‌مان به صورت آنلاین هست و خیلی راضی هستیم».

پرورش و فروش گیاه، محبوب!

پلتفرم‌های اینترنتی در روستاها، محدود به ارائه سرویس به تولیدکنندگان و فروشندگان مواد خوراکی یا محصولات دامی نیستند؛ چنان‌که فعالیت زنان روستایی هم محدود به محصولات کشاورزی و دامی خوراکی نیست. دنیای کسب‌وکارهای خانگی که زنان در روستاها آنها را اداره می‌کنند، وسیع‌تر از این حرف‌هاست. یکی از کسب‌وکارهای پرطرفدار در روستاها، پرورش و فروش گیاهان زینتی است. خانم رحمتی از روستای پشت‌قلعه از توابع آبدانان در استان ایلام در زمینه پرورش گل و گیاهان تزینتی فعالیت می‌کند.

خانم رحمتی می‌گوید: «من کارم را حدود سه سال پیش، از پشت پنجره خانه‌ام و فقط با ۲۵۰ هزار تومان شروع کردم. چند تا گل و گیاه در منزل داشتم که خودم پرورش داده بودم. فضای خانه کم بود و تصمیم گرفتم در دیوار آگهی کنم و آنها را بفروشم. وقتی فروش رفتند، با خودم گفتم با پولش گل جدید بخرم و دوباره بفروشم. از اینجا بود که کارم شد پرورش گل و گیاه. راستش از خیلی قبل‌تر به فکر چنین کسب‌وکاری بودم، اما می‌ترسیدم شروع کنم و کارم نکیرد».

خانم رحمتی حالا کسب‌وکاری را اداره می‌کند که دیگر «گرفته» است. او که کار را از پشت پنجره نورگیر خانه‌اش شروع کرده بود، حالا دارد گل‌هایش را در گلخانه‌ای طبقه‌بندی‌شده می‌پروراند «الان بذر، پیاز یا نهال انواع گیاه یا گل را می‌خرم، پرورش می‌دهم و آنلاین می‌فروشم. به شهرهای اطراف هم ارسال دارم. خدا را شکر از این کار سود خوبی داشته‌ام. البته این را هم بگویم که همسرم در این کار خیلی همراهی و همکاری می‌کند».

نامش آرزو میرزاخانی است و اهل روستایی از توابع پل‌دختر استان لرستان. او هم محصولات دست‌ساز خواهر بزرگ‌ترش را در دیوار می‌فروشد و کارش را این‌طور توضیح می‌دهد: «خواهرم ذوق و قریحه خاصی دارد و بافتنی‌های مرغوبی تولید می‌کند؛ ولی چون زیاد به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت تسلط ندارد، من به او در فروش محصولاتش کمک کردم. تولیدات خواهرم هم به‌یشتن کارهای بافت است؛ وسایلی مانند اسکاج و لیف نیز می‌سازد. هر چیزی را که با کاموا و میل بافتنی می‌توان درست کرد، درست می‌کند و آنلاین می‌فروشیم. من ۳۵ سال دارم و خواهرم ۴۰ سالش است و کار فروش آنلاین را یک سالی می‌شود شروع کرده‌ایم. تا قبل از این چون هنوز به فصل سرما نرسیده بودیم، فروش‌مان کمتر بود؛ اما نیمه دوم سال معمولاً فروش این محصولات بیشتر می‌شود».

خانم میرزاخانی می‌گوید: «آدم‌ها در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام ر‌احت‌تر اعتماد می‌کنند، در دیوار هم دائم در حال چت‌کردن با افراد هستم تا بتوانیم این اعتمادسازی را ایجاد کنیم. اینکه دیوار مدتی است قابلیتی مثل گذاشتن فیلم از محصول را هم اضافه کرده، به نظرم می‌تواند به اعتمادسازی کمک کند تا فروشنده در ویدئو بتواند محصول خود را معرفی کند».

درنهایت...

آیا پلتفرم‌های اینترنتی، مانند دیوار، شیپور و دیجی‌کالا که عنوان «مارکت‌پِلَیس» یا «بازارگاه» را به دوش می‌کشند، می‌توانند ابزاری برای توانمندسازی زنان روستایی باشند؟ قرائن که این‌طور نشان می‌دهد، زنان روستایی حالا می‌توانند تولیدات منحصربه‌فرد خود را شامل دست‌ساخته‌های خوراکی یا زینتی، دام یا گیاه یا صنایع دستی تولیدشده‌شان را که پیش‌ازاین صرفاً مصارف خانگی داشت، به‌عنوان یک کالای تجاری به فروش برسانند. رفع تبعیض و محرومیت و همچنین توانمندسازی زنان روستایی، امرغانی است که اینترنت و پلتفرم‌ها برای کسب‌وکارهای روستایی آورده‌اند؛ کسب‌وکارهایی که رشدشان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه در روستاها باشد. به ثبات اقتصادی ساکنان این مناطق کمک کند، از مهاجرت روستائیشان به شهرها جلوگیری کند، محصول باکیفیت غیرتجاری و ارگانیک را به دست ساکنان دیگر مناطق برساند و درعین‌حال، در نگاهی کلان، به توسعه پایدار در کشور کمک کند.

تحویل مستندات پرونده قتل «مهرجویی» به دستگاه قضا

با صدور مجوز مقام قضائی قابل انجام است و این موضوع ارتباطی به فراجا نداشت.
مننظر‌المهدی همچنین از تحویل همه مدارک و مستندات متهمان این پرونده به دستگاه قضائی خبر داد و گفت: بنا بر اعلام وزارت کشور مقرر شد تا هرگونه اطلاع‌رسانی از زمان تحویل متهمان به دستگاه قضائی یعنی پنجشنبه هفته گذشته، از طریق قوه قضائیه انجام شود.

داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر، در ساعات پایانی شنبه، ۲۲ مهرماه، در خانه خود در شهرک زیبادشت کرج به قتل رسیدند. حدود چهار روز بعد و در روز پنجشنبه۲۷ مرداد اعلام شد که عاملان قتل این کارگردان مطرح سینما همسرش دستگیر شده‌اند. همان روز نیز بازسازی صحنه جرم در محل این شهزهر

برگزار شد؛ اما از حضور خبرنگاران در محل جلوگیری شد.
کانون کارگردانان سینمای ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که هفتمین شب قتل داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی‌فر را با روشن‌کردن شمع و برپایی سکوت در خانه سینمای خیابان وصال برگزار می‌کند. این برنامه شنبه ۲۹ مهر ساعت ۱۸ در ساختمان شماره دو خانه سینما در خیابان وصال شیرازی برگزار شد.

یادداشت

آنا‌تومی حقیقت



ایمان دمیری
قاضی خانواده

چرا نماینده دادستان در جلسه دادگاه قتل باید برای هیئت منصفه و قاضی رمان بخواند؟ همین یک ایده، رمان‌خواندن نماینده دادستان وسط جلسه دادگاه، یعنی شما با یک فیلم خاص، عمیق، مهیوت‌کننده و در عین حال بی‌ادعا و بازیگوش مواجه هستید. لحظه لحظه فیلم پر است از خلاقیت‌های دوست‌داشتنی و بازیگوشی‌های دلنشین کارگردان با عمیق‌ترین مفاهیم بشری مثل زندگی، مرگ، خانواده، حقیقت، اخلاق و انتخاب. دیدن آخرین فیلم ژوستین تریه مثل دیدن هیچ فیلم دیگری نیست. دیدن «آنا‌تومی یک سقوط» مثل خوردن قرص قرمز فیلم ماتریکس است. می‌توانید این فیلم را ببینید و راحت باشید. با می‌توانید دوساعت‌ونیم در معرض تپش قلب، دلهره، شوک، بهت، لذت و رنج باشید و در پایان انسانی باشید غیر از انسان ابتدای فیلم. در جایی از فیلم، از زبان شخصیت اصلی (با بازی زاندر ا‌هولز) می‌شنویم که فلان کاراکتر دیگر فیلم «ویژگی شخصیتی خاصی داشت، می‌توانست همه چیز را سرزنده و قابل فهم کند» این ویژگی، دقیقاً توانایی خود‌خانم کارگردان/نویسنده فیلم است. ژوستین تریه با چنان مهارتی عمیق‌ترین و دست‌نیافتنی‌ترین جنبه‌های شخصیت انسان را زنده و قابل فهم می‌کند که برای بیننده چاره‌ای جز فهمیدن باقی نمی‌ماند. چیزی شبیه به اینکه فیلم، بیل و کلنک در دست، وارد فهم و شعور مخاطب می‌شود. دوساعت‌ونیم فهم مخاطب را عمق می‌بخشد و در پایان مخاطب را عمیق‌تر و فهمیده‌تر ترک می‌کند.

دو تانبه سقوط

فیلم با صحنه فوت مشکوک شوهر آغاز می‌شود. علت فوت شوهر چیست؟ قتل، خودکشی یا حادثه؟ برای هر سه فرضیه دلایل ضعیفی وجود دارد. و هیچ دلیل محکمی برای رد هیچ‌یک از سه فرضیه وجود ندارد. جزئی‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین روزمرگی‌های معمول زن و شوهر، در سایه اتهام قتل، اهمیت حیاتی و فوق‌العاده پیدا می‌کنند. کار دادگاه به روان‌کاوی شخصیت زن (برای پیداکردن انگیزه‌های قتل) و شوهر فوت‌شده (برای پیداکردن انگیزه‌های خودکشی) می‌رسد. بخش زیادی از زمان فیلم در دادگاه قتل سپری می‌شود. جایی که نماینده دادستان در تلاش برای اثبات فرضیه قتل زن و وکیل او در تلاش برای اثبات فرضیه خودکشی هستند.

آنا‌تومی یک سقوط

تمام فیلم، تلاش برای کشف حقیقت یکی دو تانبه «سقوط» شوهر و فوت اوست. مگر کشف حقیقت یک اتفاق دوتانبه‌ای چندر دشوار است؟ آن هم وقتی که فقط دو حالت برای حقیقت حادثه متصور است. قتل یا خودکشی (احتمال ضعیف‌تر سوم؛ حادثه) تازه آن هم در شرایطی که کارآگاهان قتل بلافاصله در صحنه فوت حاضر شده‌اند. کل صحنه مستندسازی شده است. پزشکی قانونی بلافاصله پس از فوت جسد را کالبدشکافی کرده است. فوت در فضای غیرجایی اتفاق افتاده است و نزدیک‌ترین شخص زندگی متوفی هم فرضیه قتل را رد می‌کند. عجیب است که با وجود این همه دلایل و مدارک نمی‌توانیم «حقیقت» یک حادثه دوتانبه‌ای را از بین فقط دو حالت ممکن انتخاب کنیم. چرا دستیابی به حقیقت چنین دشوار است؟ حقیقت چیست؟ اساساً آیا «حقیقت» وجود مستقل خارجی دارد؟ یا «حقیقت» برداشتی است نسبی و وابسته به متغیرهایی مثل مدارک و زاویه دید؟ آیا موضوع دادگاه «کشف حقیقت» است یا «بررسی مدارک»؟ آیا «قضاوت‌کردن» عملی بی‌طرفانه است؟ آیا متهم، وکیل متهم، نماینده دادستان، ژوری، قاضی و (از همه مهم‌تر) پسر ۱۱ساله زوجین، ناظرهای بی‌طرفی هستند که صرفاً به دنبال کشف/اثبات حقیقت هستند یا «حقیقت» مفهومی است متغیر که توسط این اشخاص «ساخته» می‌شود؟

خانواده‌ومرگ

در تلاش برای اثبات فرضیه قتل یا خودکشی، زندگی خانوادگی شوهر فوت‌شده و زن متهم به قتل زیر ذره‌بین ادات قرار می‌گیرد. زن در بن‌بست گرفتار می‌شود. از طرفی اثبات ادات کند زندگی مشترکش با شوهر تا آن حد بحرانی نبوده است که زن انگیزه‌ای برای قتل شوهر داشته باشد. از طرف دیگر باید اثبات کند که شرایط شوهرش به حدی بحرانی بوده که دست به خودکشی زده است. تمام ابراز علاقه‌های ظاهری، تمام دعواهای زن و شوهری، همه تهدیدها، جدل‌ها، روزمرگی‌ها، دلخوری‌ها، دروغ‌ها و خیانت‌های زوجین حالا برای کشف حقیقت زیر نگاه خشک و بی‌رحم قانون قرار می‌گیرد. وقایعی که هنگام «زندگی» اتفاق افتاده‌اند، زیر سایه «مرگ» حقیقتی دیگر پیدا می‌کنند. گویا مرگ قدرتی دارد برای پایان‌دادن به سردرگمی‌ها، ابهام‌ها، بن‌بست‌ها، نقاب‌ها و دروغ‌ها. «تنها مرگ است که دروغ نمی‌گوید».

بفرماییددعا

نمی‌توان در مورد «آنا‌تومی یک سقوط» نوشت و از صحنه دعوای زوج فیلم به سادگی گذشت. حتی اگر به مناسبت شغل‌تان برای سال‌ها، روزی چند دعوای زن و شوهری دیده باشید، باز هم این ۱۰ دقیقه برای شما عمق و تازگی دیگری دارد. فلش‌بک ۱۰دقیقه‌ای به دعوای زن و شوهر نقطه اوج فیلم است. هر دعوای زن و شوهری را که تا امروز در واقعیت یا در فیلم، کتاب یا هر جای دیگری دیده‌اید فراموش کنید. بفرمایید ۱۰ دقیقه خوشمه‌ترین دعوای تلخ زن و شوهری که در عمرتان دیده‌اید.

مشکل حقیقت

در جایی از اواخر فیلم پسر خانواده برای دانستن حقیقت به نماینده دادگاه التماس می‌کند و نماینده دادگاه (که در واقع نماینده کارگردان است) از اظهارنظر درباره حقیقت خودداری می‌کند. کارگردان مواضع‌تر، بی‌اعتنا‌تر و بازیگوش‌تر از آن است که بخواهد ادعای «کشف حقیقت» داشته باشد. فقط به مخاطب یادآوری می‌کند که اگر اظهارنظر درباره حقیقت یک اتفاق دوتانبه‌ای، آن هم با این همه دلایل و مدارک، می‌تواند تا این حد دشوار باشد، پس لازم است همیشه و همه‌جا برای اظهارنظر در مورد حقیقت مواضع، بسیار محتاط و بی‌تعصب باشد. کشف حقیقت مشکل خود مخاطب است، چه در فیلم، چه در زندگی واقعی.